

سیاست‌های مالی و ثروت‌های طبیعی

سعید فراهانی فرد

مقدمه

از وظایف مهم دولت‌ها، انجام سیاست‌های مالی است. بررسی این مسئله، بحث‌های فراوانی را در حوزه مالیه عمومی به دنبال داشته است. نظام سرمایه‌داری به‌رغم اعتقاد به دولت حداقل، از زمان کینز این وظیفه را در راستای تداوم نظام بازار می‌داند. اهداف و ابزارهای سیاست‌های مالی، و ارتباط آن‌ها با سیاست‌های پولی از مباحث محوری است که پیوسته در مجامع علمی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

این سیاست‌ها معمولاً از طریق تغییر در مقدار درآمدها و مخارج دولت و ترکیب آن‌ها صورت می‌پذیرد و در محور درآمدها، مالیات تنها عاملی است که با تغییر نرخ و مبنای مالیات، منجر به افزایش یا کاهش درآمدهای دولت شده و به تبع آن در ترکیب مخارج عمومی (GNP) تأثیر می‌گذارد.

در نظام اقتصادی اسلام، دولت علاوه بر مالیات، از ثروت‌های دیگری برخوردار است که نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های مالی دارد؛ ثروت‌هایی چون زمین، معادن، مراتع، جنگل‌ها و آب‌ها، که بعضی از آن‌ها در ملکیت دولت قرار دارند و بعضی دیگر گرچه متعلق به عموم مردم‌اند لکن اداره آن‌ها به عهده دولت می‌باشد.

در این تحقیق، با نگاهی اجمالی به این منابع در عصر حاضر، به بررسی مسائل زیر می‌پردازیم:

۱- راه‌های مدیریت ثروت‌های طبیعی (تصدی، واگذاری و نظارت، و مشارکت) به

منظور اعمال سیاست مالی

۲- اصول و مبانی انتخاب یکی از راه‌های فوق یا ترکیبی از آن‌ها در سیاست‌گذاری

۳- تأثیر سیاست مالی از طریق این ثروت‌ها بر اهداف تثبیت، تخصیص و توزیع

سیاست مالی

سیاست مالی عبارت است از: تغییرات کمی و کیفی درآمد و مخارج دولت به منظور تأمین رشد مداوم و مطلوب و تعدیل نوسانات اقتصادی که از آن به سیاست بودجه نیز تعبیر می‌شود.

اهداف سیاست مالی

اقتصاددانان اهداف سیاست مالی را در سه محور خلاصه می‌کنند:

۱- تخصیص: تدارک کالاهای اجتماعی، فرایند تقسیم منابع بین کالاهای خصوصی و اجتماعی و انتخاب ترکیبی از کالاهای اجتماعی از طریق آن را می‌توان وظیفه تخصیص نامید. سیاست‌های مالی در نظر دارد تخصیص منابع در بخش‌های مختلف اقتصاد به شکل کارآ صورت گیرد و یا عدم کارایی‌ها را به کم‌ترین میزان ممکن کاهش دهد.

۲- توزیع: تعدیل توزیع درآمد و ثروت به منظور انطباق‌پذیری آن با آنچه از نظر اجتماع، وضع مناسب یا عادلانه توزیع تلقی می‌شود، در حیطه وظیفه توزیع قرار می‌گیرد.

۳- تثبیت: استفاده از سیاست مالی به عنوان ابزاری برای حفظ اشتغال در سطحی بالا، درصد معقولی از ثبات سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ مناسبی برای رشد، با توجه به اثرات آن بر تجارت و تراز پرداخت‌ها، همه در حیطه وظیفه تثبیت قرار می‌گیرد.^۱

ابزارهای سیاست مالی

این ابزارها بر دو قسم‌اند:

۱- ابزارهایی که در جهت دریافت‌ها یا منابع درآمد دولت به کار می‌روند، مانند مالیات‌ها و اوراق قرضه و نظایر آن.

۲- ابزارهایی که در جهت پرداخت‌ها یا مخارج دولت اعمال می‌گردند، مانند سیاست کسر بودجه و عملیات عمرانی.

منابع درآمد دولت را به چهار گروه کلی می‌توان تقسیم کرد: مالیات‌ها؛ عوارض و حقوق گمرکی؛ منابع استقرایی؛ درآمدهای انحصاری، انتفاعی و امور عام المنفعه. از این میان، مالیات‌ها از اهمیت بیش‌تری برخوردارند و علاوه بر این که قسمت عمده‌ای از درآمد دولت را تأمین می‌کنند، از نظر سیاست مالی نیز قابلیت‌های متعددی دارند.^۲

ابزارهای سیاست مالی در اسلام

در نظام مالی اسلام نیز سیاست‌های مالی از طریق درآمدها و هزینه‌های دولت انجام می‌شود. مهم‌ترین درآمدهای دولت که این سیاست‌ها از طریق آن‌ها صورت می‌پذیرد عبارت‌اند از: ۱- ثروت‌های طبیعی؛ ۲- مالیات‌های ثابت و متغیر؛ ۳- بهای خدمات دولتی؛ ۴- کمک‌های مردمی.

در این مقاله به بررسی یکی از مهم‌ترین این درآمدها یعنی ثروت‌های طبیعی می‌پردازیم. درآمدها و هزینه‌های دولت اسلامی دارای خصوصیتی هستند که به کارگیری آن‌ها، اعمال سیاست مالی در این نظام را از سایر نظام‌ها ممتاز می‌سازد.^۳

ثروت‌های طبیعی

در منابع روایی و فقهی از ثروت‌های طبیعی تحت عناوین مختلفی چون انفال، مشترکات و مباحات یاد می‌شود. از آن‌جا که برخی از مصادیق، چون زمین‌های موات، معادن و آب‌ها در فقه و قوانین مدنی و اجرایی کشور به طور متفاوتی بیان شده‌اند، ابتدا به تبیین این عناوین می‌پردازیم.

انفال (املاک دولتی)

انفال اموالی است که امام علیه السلام مانند پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان خاص (امامت) استحقاق آن را دارد.^۴ گرچه در تعداد و مصادیق انفال اختلاف نظرهایی وجود دارد لکن موارد زیر در اکثر کتب فقه از انفال دانسته شده است:

- ۱- اموالی که بدون جنگ از کفار گرفته می‌شود؛ ۲- زمین‌های موات؛ ۳- اموالی که مالک ندارند؛ ۴- دامنه کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، مراتع، سواحل دریاها و رودخانه‌ها؛ ۵- معادن؛ ۶- میراث کسانی که وارث ندارند؛ ۷- غنایم جنگ‌هایی که بدون اذن امام علیه السلام انجام شده است؛ ۸- اموال و دارایی‌های نفیس و اختصاصی پادشاهان؛ ۹- دریاها و رودخانه‌ها.^۵ امام خمینی در این باره فرمایند:

مواردی که در روایات به عنوان انفال و ملک امام علیه السلام نام برده شده، همه از باب ذکر مصادیق آن هستند و متفاهم از مجموع روایات این است که آن چه مربوط به امام علیه السلام است عنوان واحدی است که منطبق بر موارد زیادی می‌شود و ملاک در همه یکی است و آن این است که: هر چیزی (اعم از زمین یا غیر زمین) که

صاحب و مالکی نداشته باشد برای والی است تا آن را در مصالح مسلمانان مصرف نماید و این در بین دولت‌ها نیز متداول است.^۶

این قسم از ثروت‌های طبیعی طبق نص قرآن، ملک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد و به اعتقاد فقهای امامیه بعد از پیامبر در اختیار امام معصوم علیه السلام و در زمان غیبت در اختیار سرپرست مسلمانان (ولی فقیه) است تا مطابق مصلحت مسلمانان از آن استفاده کند. بدیهی است منظور از ملکیت پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علیه السلام و ولی فقیه، ملک منصب آن‌ها است نه ملک شخصی، و به همین دلیل این اموال بین ورثه تقسیم نمی‌شود بلکه در اختیار امام و یا حاکم بعدی قرار می‌گیرد.

بحث مهمی که در ارتباط با انفال مطرح است کیفیت بهره‌برداری و تملک آن‌ها از طرف مردم است. برخی معتقدند مردم در زمان غیبت با اجازه دولت با احیا مالک می‌شوند. برخی دیگر معتقدند تنها حق بهره‌برداری دارند و مالک نمی‌شوند و بر همین اساس در صورتی که این منابع را کد بماند و یا مصلحت اهم اجتماعی در کار باشد حاکم می‌تواند آن‌ها را گرفته و در اختیار دیگری قرار دهد و یا خود مستقیماً به بهره‌برداری بپردازد.^۷

ثروت‌های عمومی

ثروت‌های عمومی اموالی هستند که به عموم مسلمانان تعلق دارند و دولت سرپرستی آن‌ها را به عهده می‌گیرد. مهم‌ترین مصداق این قسم، زمین‌هایی هستند که در جنگ، با اذن امام فتح شده‌اند. مالکیت عموم مسلمانان به معنای شریک بودن آنان به صورت مشاع نیست، بلکه مقصود این است که باید منافع آن‌ها در جهت عموم استفاده شود. مشترکات^۸

مشترکات اموالی هستند که همه مردم در استفاده و بهره‌برداری از آن‌ها برابری دارند و در یک تقسیم بندی به دو بخش تقسیم می‌شوند:

بخش اول اموالی هستند که عین آن‌ها قابل انتقال نبوده مردم فقط حق انتفاع دارند؛ مانند راه‌ها، اماکن عمومی، پل‌ها، شبکه‌های آبرسانی و مساجد. این بخش از اموال عمومی خود به دو قسمت تقسیم می‌شود:

اول: اماکنی که مجانی مورد استفاده مردم است؛ مانند معابر عمومی، جنگل‌ها و فضاها، سبزه‌ها و بیابان‌ها.

دوم: اماکنی که دولت می‌تواند در مقابل استفاده از آن‌ها وجوهی دریافت دارد؛ مانند بزرگراه‌ها، پارک‌ها و نمایشگاه‌ها.

گرچه درباره مالکیت این موارد تعابیر مختلفی به کار برده شده (متعلق به مجموع اهل کشور یا همه افرادی که با آن سروکار دارند و یا همه مسلمین می‌باشد) لکن اختیار و سرپرستی آن‌ها با حکومت است. در مواد ۲۴ تا ۲۶ قانون مدنی پاره‌ای از این مشترکات را تحت عنوان اموال عمومی شمرده است؛ مانند راه‌های عمومی، پل‌ها، آب‌انبارهای عمومی، مدارس و مساجد، قنات‌ها و چاه‌هایی که مورد استفاده عموم است. در این قانون آمده است: استفاده از این اموال نباید به صورت انحصار درآید ولی کسانی که زودتر شروع به بهره‌برداری کرده‌اند دارای حق تقدم هستند.

بخش دوم که در کتب فقهی از آن به عنوان «مباحات اصلیه» یاد شده، ثروت‌هایی است که دست بشر در خلق و تولید آن دخالت نداشته و از طرفی مورد نیاز مردم است و باید همه افراد در بهره‌گیری برابر باشند. منابع آبی، شکار در بیابان، دریا و مراتع را می‌توان از مصادیق مباحات دانست. در روایات زیادی آمده است مردم در آب و آتش (مواد سوختی چون هیزم، نفت) و نمک شریک‌اند.^۹

برخی از فقها گفته‌اند: مقصود از مباح بودن آن است که این اموال با این که ارزش و مالیت دارند ولی درباره آن‌ها ملکیت (خصوصی یا عمومی) اعتبار نشده است. هرچند ولی امر مسلمین بر تمام آن‌چه در قلمروی حکومت است ولایت دارد و می‌تواند برای استفاده از این اموال با در نظر گرفتن مصالح امت اسلامی ضوابطی قرار دهد.^{۱۰}

در ماده ۲۷ قانون مدنی آمده است: مباحات اموالی هستند که ملک اشخاص نمی‌باشند و افراد می‌توانند مطابق مقررات آن‌ها را تملک کرده، استفاده نمایند. در این قانون اراضی موات، آب‌های مباح و معادن از مباحات شمرده شده است.

آن‌چه در تعریف مباحات معتبر است این است که اولاً: این اموال در ابتدا مانند مشترکات ملک کسی نیستند ولی امکان تملک یا انتفاع از آن‌ها طبق قانون وجود دارد. ثانیاً: خرید و فروش مباحات در صورتی که حیات‌زده باشد امکان‌پذیر است ولی مشترکات (قسم اول مشترکات) قابل خرید و فروش نیستند چون اصلاً قابل تملک نیستند. در اصل ۴۵ قانون اساسی نیز آمده است: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های

موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید.

سیاست‌گذاری از طریق مدیریت ثروت‌های طبیعی

بعد از این که معلوم شد در زمان غیبت، تمام انفال به ولی امر مسلمانان اختصاص داشته و مدیریت ثروت‌های عمومی نیز به عهده وی می‌باشد و تصرف مردم بدون اجازه وی جایز نیست، نوبت به بحث از چگونگی سیاست‌گذاری از طریق این ثروت‌ها می‌رسد. در این بخش ابتدا راه‌های ممکن در مدیریت ثروت‌های طبیعی سپس اصول سیاست‌گذاری توسط آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

راه‌های مدیریت ثروت‌های طبیعی

۱- تصدی مستقیم دولت

دولت می‌تواند به سرمایه‌گذاری مستقیم اقدام نموده و با تشخیص اولویت‌های زمانی و منطقه‌ای و رعایت مصالح نظام، به آبادسازی اراضی، ساختن شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی، استخراج معادن و منابع زیرزمینی، تأسیس صنایعی در جهت بهره‌برداری و تبدیل مواد اولیه به دست آمده از معادن، تأسیس و گسترش مزارع کشاورزی و ... اقدام نماید.

به نظر می‌رسد این روش بیش‌تر در استخراج معادن بزرگ و حساس چون نفت و طلا، صنایع استراتژیک مانند صنایع دفاعی، تولید کالاها و خدماتی که بخش خصوصی انگیزه‌ای برای اقدام به آن ندارد (کالاها عمومی)، مناسب باشد.

۲- مشارکت مردم

دولت می‌تواند برخی از فعالیت‌های اقتصادی را با مشارکت مردم و با استفاده از سرمایه و نیروی کار آنان انجام دهد. مشارکت از راه‌های مختلفی امکان پذیر است:

الف - برقراری عقد مشارکت با بخش خصوصی

دولت می‌تواند از طریق انعقاد قرارداد مشارکت با بخش خصوصی در پروژه‌های مختلف، چون احیای زمین‌های موات، اقدام به سرمایه‌گذاری کند. طبیعی است سهم سود

دولت در این قراردادها باید رابطه منطقی با سود انتظاری طرح داشته باشد؛ یعنی در طرح‌هایی که رغبت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری بیش‌تر است، دولت سهم بیش‌تری طلب می‌کند، و در طرح‌هایی که دارای سود کم بوده و رغبت برای سرمایه‌گذاری کم‌تر است و در عین حال، انجام آن طرح‌ها برای رشد و توسعه و ایجاد اشتغال و ... مناسب است، دولت باید سهم سود کم‌تری برای خود قرار دهد و حتی در مواردی از سهم سود خود صرف نظر کند. از این روش در بخش‌های مختلف صنعت، تجارت، کشاورزی، باغداری و خدمات می‌توان استفاده نمود. در این عقد باید همه شرکا در سرمایه شریک باشند و آنان که فعالیت عملی دارند می‌توانند علاوه بر استفاده از سهم سود، حقوق فعالیت را هم دریافت دارند و یا به جهت کار، سهم سود بیش‌تری قرار دهند.

مشارکت بین دولت و بخش خصوصی از طریق انتشار اوراق مشارکت طرح‌های ملی نیز امکان‌پذیر می‌باشد. نشر این اوراق به چند صورت امکان دارد:

الف - دولت ابتدا از ذخایر و دارایی‌های خود اقدام به سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی نموده، بعد از ثمردهی یا در حین انجام طرح، سهام آن را به شکل اوراق مشارکت بین متقاضیان توزیع نماید. این کار از طریق بانک نیز ممکن است؛ یعنی سپرده‌گذاران به جای سپرده‌گذاری می‌توانند اوراق مشارکت دولتی خریداری نمایند.

ب - بانک‌ها می‌توانند به وکالت از دولت و صاحبان سپرده، با وجوه آن‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری در این منابع نموده، اسناد مالکیت آن را به صورت سهام بین سپرده‌گذاران توزیع نمایند. این سهام و نوع قبل، توسط بانک و بازار بورس قابل خرید و فروش می‌باشند.

ج - بخش خصوصی می‌تواند با لحاظ شرایط دولت، در طرح‌های صنعتی، کشاورزی و عمرانی اقدام به سرمایه‌گذاری کند، سپس اوراق سهام آن را از طریق بازار بورس و بانک‌ها، خرید و فروش نماید. بهتر است این طرح‌ها به گونه‌ای سازماندهی شوند که در راستای تحقق اهداف اقتصادی کشور باشد. هم‌چنین بخش خصوصی می‌تواند به ساختن طرح‌های ملی چون دانشگاه‌ها، مدارس، پارک‌ها و بزرگراه‌ها اقدام نموده از یک سو آن‌ها را به دولت اجاره دهد و از سوی دیگر سهام آن‌ها را در بازار به فروش برساند. در این روش مبلغ اجاره به صورت سود ثابت و قطعی برای صاحبان سهام پرداخت می‌شود، بدین

جهت اشخاصی که کم‌تر ریسک‌پذیر می‌باشند، برای خرید سهام این نوع مؤسسات رغبت بیش‌تری نشان می‌دهند.

ب - عقد مزارعه و مساقات

دولت می‌تواند اراضی انفال را در اختیار کشاورزان و باغ‌داران قرار داده و طبق عقد مزارعه و مساقات، درصدی از سود به‌دست آمده را به عاملین بدهد. همان‌طور که در عقد شرکت متذکر شدیم، سهم سود دولت در طرح‌های مختلف، متفاوت خواهد بود.

ج - عقد جعاله و صلح

این دو عقد فواید اکثر عقدها را دارند بدون این‌که مقید به شرایط آن‌ها باشند، از این رو با این دو عقد می‌توان مفاد بسیاری از عقود را انجام داد. تنها شرطی که در این عقود وجود دارد باید حلال‌کننده حرام و حرام‌کننده حلالی نباشند. بر این اساس، دولت می‌تواند برای مشارکت با بخش خصوصی و استفاده از سرمایه و منابع آن‌ها از این دو عقد استفاده نماید؛ مثلاً بگوید هر کس این زمین را آباد کند، درصد خاصی از سود آن، یا مبلغ معینی به او می‌دهم، همین کار را با عقد صلح نیز می‌تواند انجام دهد.

خصوصیت این روش (مشارکت با مردم) این است که در آن نظارت دولت بر طرح‌ها و جهت دادن آن‌ها به سمت مصالح نظام، از روش‌های دیگر آسان‌تر است.

۳- واگذاری به بخش خصوصی

یکی دیگر از راه‌های استفاده از منابع طبیعی، واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی است. در شرایط خاصی به دلایلی چون بالا بودن هزینه‌های دولت، مقرون به صرفه نبودن فعالیت مستقیم، نداشتن نیروی نظارتی کارآمد و معتقد برای مشارکت، وجود مشکلات اجرایی و سوق دادن نقدینگی بخش خصوصی به سمت فعالیت‌های مولد، دولت می‌تواند منابع طبیعی را به‌طور کلی به بخش خصوصی واگذار نماید این واگذاری می‌تواند به یکی از دو شکل واگذاری ملکیت و واگذاری منافع باشد:

الف - واگذاری ملکیت

اگر بپذیریم انفال و ثروت‌های طبیعی توسط بخش خصوصی قابل تملک‌اند به طرق زیر می‌توان اقدام کرد:

الف - فروش: دولت می‌تواند انفال از جمله زمین‌های موات و آباد را با رعایت مصالح

نظام، از طریق مزایده به فروش برساند. همچنین می‌تواند برای تقویت تعاونی‌ها و یا قشر خاصی از جامعه، آن‌ها را با تسهیلات خاصی (مثل فروش اقساطی و اعطای وام بلندمدت) بفروشد.

ب- اجاره به شرط تملیک: واگذاری ملکیت برخی از این منابع ممکن است در ابتدا به صورت اجاره باشد، به شرطی که هر گاه به مفاد قرارداد اجاره عمل شود در پایان مدت، دولت آن را به طرف قرارداد، تملیک نماید.

ج- عقد جعاله: دولت ممکن است اعلام کند هر کس این اراضی را آباد کند یا این معدن را استخراج کند یا در این دریاچه اقدام به پرورش ماهی نماید، بخشی از آن را به او می‌دهم.

ه- هبه: ممکن است به دلایلی چون ایجاد اشتغال و درآمد، بخشی از انفال به گروهی از جامعه بخشیده شود.

ب- واگذاری منافع

اگر مالکیت منابع طبیعی را قابل انتقال ندانیم و یا برای رعایت حقوق نسل‌های آینده، انتقال آن‌ها مصلحت نباشد دولت می‌تواند منافع آن‌ها را از طرق زیر برای مدت محدودی به بخش خصوصی واگذار نماید:

الف- اعطای امتیاز بهره‌برداری: این راه در بهره‌برداری از معادن، دریاها، رودخانه‌ها، جنگل‌ها و اراضی آباد طبیعی و موات، ضمن رعایت نکات زیر امکان پذیر است:

۱- در واگذاری باید مصالح اقتصادی کشور در نظر گرفته شود؛ یعنی با بررسی همه راه‌ها و مقایسه بین آن‌ها، بهترین راه انتخاب گردد.

۲- در واگذاری به اشخاص و گروه‌ها، علاوه بر جلوگیری از رانت‌ها و سوء استفاده‌ها و تبعیض‌ها، اهداف کلی نظام مانند توزیع درآمد، عدالت اجتماعی و اشتغال رعایت شود.

۳- مبلغی که به عنوان حق امتیاز گرفته می‌شود با کارشناسی دقیق و متناسب با سوددهی طرح و با توجه به اهداف مذکور در بند دو تعیین شود.

۴- در طول دوره، حق نظارت کلی و حق فسخ در صورت عمل نکردن به مفاد قرارداد، برای دولت منظور شود.

ب - اجاره دادن منابع در دوره معین: دولت می‌تواند منابع طبیعی را برای مدت معینی اجاره دهد. خصوصیت این روش این است که امکان نظارت دولت بر طرح‌ها بیش‌تر بوده و علاوه بر آن می‌تواند میزان اجاره را سالانه، مطابق با شرایط اقتصادی روز و وضعیت طرح، تغییر دهد.

ج - جعاله یا صلح: از راه‌های واگذاری منافع، صلح و جعاله است؛ مثلاً گفته می‌شود هر شخص یا مؤسسه‌ای این معدن را استخراج، یا آن زمین را آباد کند بخشی از منافع به او داده می‌شود و آن بخش می‌تواند مقدار معین و ثابت یا سهمی از سود به‌دست آمده باشد. د - اباحه: ممکن است به جهت توزیع درآمد و رفع فقر، این منابع برای مدتی به طور رایگان در اختیار افراد یا گروه‌های خاص قرار داده شود.

از آن‌جا که این ثروت‌ها سهم عمده‌ای در تأمین درآمد دولت دارند، دولت می‌تواند با تغییر حجمی که از این ثروت‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد (از راه‌های مختلف) به سیاست انبساطی یا انقباضی مالی اقدام نماید. هم‌چنین می‌تواند در قراردادهای جدید، سهم سود، اجاره و یا حق واگذاری این منابع را تغییر دهد.

اصول کلی سیاست‌گذاری به وسیله ثروت‌های طبیعی

گزینش هر یک از راه‌های پیش گفته نیازمند معرفی اصولی است که در ذیل می‌آید:

۱- اصل دخالت دولت

از مسائل مهم در بحث سیاست‌گذاری اقتصادی، اندازه دولت و میزان دخالت آن در اقتصاد می‌باشد. دو نظر افراطی در این باره عبارت‌اند از: نظریه سرمایه‌داری (لیبرال) که به حداقل دخالت دولت اعتقاد دارد و نظریه مارکسیستی که به برنامه‌ریزی متمرکز معتقد است. سایر نظریات در حد فاصل این دو حد می‌باشند.^{۱۱}

توجه به میزان درآمدهایی که در اسلام برای دولت در نظر گرفته شده و توجه به وظایف و مسئولیت‌های گسترده‌ای که به عهده آن گذاشته شده، همه حاکی از وجود دولتی مقتدر در نظام اسلامی است. دولت اسلامی در حوزه اقتصاد، در بخش‌های تولید، توزیع و مصرف، وظیفه قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، نظارت و کنترل را بر عهده دارد.^{۱۲}

اصل دخالت دولت در اقتصاد و اداره کلی اقتصاد توسط دولت، امری پذیرفته شده

است و سخن در میزان و چگونگی این دخالت می‌باشد. مطالعه منابع روایی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام بیان‌گر این است که الگوی ثابتی در این باره وجود ندارد. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، تصدی دولت حداقل بوده و اکثر فعالیت‌های بخش عمومی به صورت داوطلبانه توسط مردم انجام می‌گرفت، اما با وسعت یافتن کشورهای اسلامی و افزایش درآمدها، به تدریج بر دامنه فعالیت‌های دولت افزوده شد.^{۱۳}

بنابراین می‌توان گفت که اندازه دولت اسلامی در زمان‌های مختلف و در شرایط گوناگون متفاوت است، در شرایطی که مردم در سطح بالایی از ایمان قرار دارند و روحیه تعاون و فداکاری و احترام به قانون بر آنان حاکم است و اقتصاد در شرایط طبیعی خود به سر می‌برد و هیچ‌گونه تهدیدی از سوی دشمنان خارجی و یا حوادث غیر منتظره طبیعی وجود ندارد، میزان دخالت دولت در کنترل و نظارت بر مردم به حداقل رسیده و تصدی مستقیم فعالیت‌های اقتصادی منحصر به تولید کالاهای مکمل می‌شود. اما در شرایطی که جامعه دارای ضعف ایمان بوده و در اثر حاکمیت روحیه خودخواهی، نفع‌پرستی و دنیاطلبی، تخلفات و قانون‌شکنی‌ها فراوان است و یا کشور از جانب اجانب و حوادث طبیعی تهدید می‌شود، دخالت دولت بیش‌تر می‌گردد.^{۱۴}

۲- اصل کارایی

از دیگر معیارهای اساسی در مدیریت انفال، مسئله کارایی و تأمین اهداف مورد نظر اقتصاد می‌باشد. موافقان خصوصی سازی عقیده دارند که حرکت به سوی بازار همراه با افزایش کارایی است. مکانیزم بازار مالی بازگشت سرمایه را برای جلب رضایت سرمایه‌گذاران و سهامداران الزامی می‌نماید. این مکانیزم در بهبود و ارتقای عملکرد شرکت‌ها بسیار قوی‌تر از سرمایه‌گذاری‌های ناهماهنگ و سیاست‌های اعتباری دولت عمل می‌کند؛ زیرا تصمیمات در کادر دولتی بر اساس ضرورت‌های کوتاه مدت سیاسی گرفته می‌شود، در حالی که تصمیم‌گیری در بخش خصوصی بر سیاست‌های بلندمدت و عقلانیت اقتصادی استوار است.^{۱۵} یکی از عوامل مهم در افزونی کارایی در بخش خصوصی، وجود عنصر رقابت در این سیستم است؛ به گونه‌ای که گاه هدف اصلی از واگذاری فعالیت‌های دولتی به بخش خصوصی، ایجاد ساختاری رقابتی برای فعالیت‌ها است.^{۱۶} فشار رقابت، تولیدکنندگان را مجبور می‌سازد هزینه‌های تولید را به حداقل

برسانند. کاهش هزینه‌ها عموماً با تغییر تکنیک تولید صورت می‌گیرد و این تغییر نیازمند انگیزه‌های نوآورانه و ابتکاری است. بنابراین از نتایج مکانیزم بازار آزاد بالا بردن کارایی مولد^{۱۷} و به وجود آوردن طبقه کارآفرین و خلاق در جهت بالا بردن قدرت تولیدی اقتصاد می‌باشد.^{۱۸} البته این مطالب کلیت ندارد و گاهی بخش خصوصی برای تحصیل سود، اقدام به استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی می‌کند. دولت بایستی با مطالعه کارشناسی موارد، نقطه بهینه تصدّی و واگذاری را پیدا کند.

۳- اصل عدالت

بسیاری از مکاتب اقتصادی تأمین عدالت را از اهداف خود معرفی کرده و راهبرهای پیشنهادی خود را نیز مبتنی بر اصل عدالت دانسته‌اند. حتی آدام اسمیت نیز حرکت بر اساس نظم طبیعی را در چهارچوبی از قوانین و عدالت امکان‌پذیر می‌داند و در موارد متعددی بر مسئله عدالت تأکید می‌نماید.^{۱۹} در اسلام نیز همانند سایر ادیان الهی، یکی از اهداف اساسی انبیا برقراری قسط و عدل معرفی شده است.^{۲۰} حال آن که در برخی از الگوهای رشد به افزایش سهم ثروت‌مندان از درآمد ملی تأکید شده، استدلال می‌گردد که در سایه قدرت پس‌انداز بیش‌تر آنان، تولید ناخالص ملی فزونی می‌یابد و در نهایت تهیدستان نیز از زندگی بهتری برخوردار می‌شوند. همین‌طور در این الگوها تأمین امنیت، آموزش و رفاه همگانی اهدافی است که پس از گذر از یک بی‌عدالتی آشکار تحقق می‌یابد. پس این الگوها، حتی اگر توانایی تأمین اهداف فوق را داشته باشند - که تجربه خلاف آن را ثابت کرده است - در نظام اقتصادی اسلام مجاز نیستند؛ زیرا با اصل عدالت اجتماعی منافات دارند. افزون بر این که ما معتقدیم تنها از طریق عدالت است که مشکل فقر و بیچارگی از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: هرگاه میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند.^{۲۱} حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: با اجرای عدالت برکات خداوند مضاعف می‌شود.^{۲۲}

بنابراین، مدیریت ثروت‌های طبیعی از طریق واگذاری به بخش خصوصی و یا مشارکت با آن باید به گونه‌ای باشد که با این اصل منافات نداشته باشد، تا منافع آحاد مردم و رفاه عمومی تأمین گردد.

نکته قابل توجه دیگر این که در استفاده از این منابع و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها

باید منافع نسل‌های آینده نیز ملاحظه گردد. به همین جهت برخی از فقیهان با فرق گذاشتن بین درآمد و ثروت، انفال را ثروت دانسته، مصرف آن را در هزینه‌های جاری مجاز نمی‌دانند؛ بلکه معتقدند که درآمد این انفال را باید در سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی استفاده نمود.^{۲۳}

۴- اصل استقلال سیاسی و اقتصادی

هدف اسلام این است که امت اسلامی در همه ابعاد زندگی از بیگانگان مستقل باشد:

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً؛^{۲۴}

خداوند هرگز راهی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است.

از این میان، استقلال اقتصادی اهمیت خاصی دارد و به تعبیر امام خمینی وابستگی اقتصادی منشأ همه وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.^{۲۵} مطالعه تاریخ نیز نشان می‌دهد که استعمارگران عمدتاً از این طریق توانسته‌اند به مقاصد سیاسی - فرهنگی خود در سایر کشورها دست یابند.

بنابراین، اعمال سیاست اقتصادی جهت ایجاد خودکفایی در کالاهای اساسی و همیاری عمومی مردم در قطع وابستگی و بستن راه‌های نفوذ آنان، از مهم‌ترین مسئولیت‌های امت اسلامی است. بدیهی است در بقیه کالاهای می‌توان با رعایت مزیت‌های نسبی و حفظ اصول تجارت خارجی، در رقابتی سالم ارتباطی متقابل با سایر کشورهای جهان داشت.

در استفاده از ثروت‌های طبیعی دقت و تأکید بر اصل استقلال بسیار مهم است؛ چرا که غالب کشورهای استعمارگر از یک سو به دنبال تسلط بر منابع و ثروت‌های طبیعی کشورهای ضعیف و از سوی دیگر به دنبال بازار مصرف برای کالاهای تولیدی خود هستند. تجربه واگذاری امتیاز بهره‌برداری از منابع ملی ایران در رژیم‌های گذشته شاهد روشنی بر این مدعا است.

۵- حفظ محیط زیست

در دهه‌های اخیر، حفظ محیط زیست مورد توجه جدی نظریه‌ها و راهبردهای توسعه قرار گرفته است، به طوری که «میکسل» می‌گوید: «این بحث پیش پا افتاده‌ای است که بگوییم: حفاظت محیط زیست و حفظ و نگهداری منابع طبیعی در هر برنامه توسعه

اقتصادی بسیار مهم است.»^{۲۶} این نگرش بعد از پی بردن بشر به آثار مخرب و زیان‌بار توسعه بی‌حساب صنایع آلوده‌کننده و از بین بردن منابع پایان‌پذیر، حاصل شد. اقتصاد محیط زیست چرخه منابع طبیعی را با فرایند اقتصاد پیوند می‌زند و به بررسی این مسئله می‌پردازد که برای حفظ سطح بهره‌وری منابع طبیعی پایه از طریق حفاظت منابع پایان پذیر، احیای منابع تجدید شونی یا تعیین مقدار مجاز فضولات بازیافت نشده قابل جذب توسط محیط زیست، چه اقداماتی را باید انجام دهیم؟ توسعه پایدار، هدف‌های دیگری را نیز دنبال می‌کند، از جمله این که بهره‌وری منابع طبیعی نباید تنها برای نسل حاضر حداکثر شود، بلکه باید برای تمام نسل‌های آینده نیز به حداکثر برسد.^{۲۷}

حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بدون شک یکی از اصول اساسی مدیریت انفال به شمار می‌آید. تأکیدهای فراوان پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بر حمایت از حیات حیوانات و حفاظت از درختان و گیاهان، اهمیت فوق‌العاده محیط زیست را ثابت می‌کند. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است: چیزی را که دارای روح است مورد اغراض خود قرار ندهید.^{۲۸}

در روایات دیگری نیز از آلوده کردن آب و محیط زیست نهی کرده‌اند.^{۲۹} بدیهی است که هرگاه منابع طبیعی توسط بخش خصوصی و بدون نظارت دولت اسلامی مورد بهره‌برداری واقع شود، از این جهت که معمولاً افراد به دنبال منافع بیش‌تر می‌باشند ممکن است با کارهایی چون از بین بردن فضاها، سبز، جنگل‌ها و تأسیس کارخانجات آلوده‌کننده و ساختمان‌سازی‌های بی‌رویه، هم چنین آلوده ساختن آب و هوا، لطمات فراوانی به محیط زیست وارد کنند.

دولت می‌تواند در قراردادهایی که به صورت واگذاری یا مشارکت تنظیم می‌کند و در دستورالعمل‌هایی که برای مؤسسات و شرکت‌های دولتی که عهده‌دار بهره‌برداری از این ثروت‌ها هستند تعیین می‌کند، شرایطی را درج نماید که با رعایت آن‌ها سلامتی محیط زیست فراهم شود. چنان‌که بخشی از این درآمدها می‌تواند در راه رسیدن به این هدف هزینه گردد.

دقت در اصول و مبانی فوق نشان‌گر این است که سیاست واحد و مستمری را نمی‌توان نسبت به تمام منابع طبیعی و در همه زمان‌ها توصیه کرد بلکه در هر زمان و

درباره هر یک از ثروت‌های طبیعی با توجه به شرایط خاص آن، سیاست‌گذاری جداگانه‌ای لازم است. گاهی هم ممکن است جمع بین تمام این اصول میسر نباشد، در این صورت، با توجه به اهداف کلی، مبانی رتبه بندی شده و آن‌ها که مهم‌ترند مقدم می‌شوند. به نظر می‌رسد حفظ استقلال و تأمین عدالت، اهمیت بیش‌تری دارند.

بنابراین، در شرایط عادی، از میان سه روش کلی تصدی، مشارکت و واگذاری، شایسته است منابعی که بخش خصوصی در آن‌ها دارای مزیت نسبی است با رعایت مصالح به آن‌ها واگذار شود و بخش‌هایی که نظارت بیش‌تر دولت را می‌طلبد با انعقاد قرارداد مشارکت با همکاری بخش خصوصی انجام پذیرد و منابعی که رعایت مصالح ملی در آن‌ها، تصدّی دولت را می‌طلبد یا فعالیت‌های لازمی که بخش خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری در آن‌ها ندارد، خود دولت مستقیماً فعالیت کند.

ثروت‌های طبیعی و اهداف سیاست مالی

در این بخش از مقاله تأثیر انفال و سایر ثروت‌های طبیعی را بر روی اهداف سیاست مالی در سه محور تخصیص، توزیع و تثبیت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- تخصیص

یکی از اهداف نظام‌های اقتصادی تخصیص کارای منابع است. در سرمایه‌داری، منابع از طریق عملیات بازار آزاد تخصیص می‌یابد. قیمت‌های متفاوت برای محصولات، منابع را از مصارف کم سود به سمت مصارف سودآورتر هدایت می‌کند. این روش علاوه بر تثبیت نابرابری که محور بعدی بحث است با اهداف غایی اقتصاد اسلامی مبنی بر ایجاد زمینه برای تربیت انسان‌ها در جهت عبودیت خداوند، سازگار نمی‌باشد؛ زیرا در این روش هر کالایی که از دیدگاه اقتصادی مطلوب باشد هر چند مضرات اجتماعی هم داشته باشد (مانند مشروبات الکلی و مواد مخدر) تولید می‌شود و در مقابل هر کالایی هر چند ضروری اگر توجیه اقتصادی نداشته باشد تولید نمی‌شود.

در نظام اقتصادی اسلام، اصل اولی این است که تخصیص منابع از طریق عرضه و تقاضا صورت گیرد، اما با توجه به این که توجه اصلی اقتصاد اسلامی پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی انسان و ایجاد زمینه تربیت اوست، در مواردی که این تخصیص با اهداف و ارزش‌های جامعه اسلامی ناسازگار باشد، توسط دولت اصلاح و تعدیل می‌گردد.^{۳۰}

انفال و ثروت‌های طبیعی نقش مهمی در تخصیص منابع دارند. دولت می‌تواند با اعمال تفاوت در شرایط واگذاری جهت فعالیت‌های مختلف و نیز تغییر سهم سود خود در قراردادهای مشارکت، منابع را به سمت تولید کالاها، خدمات و مناطق اولویت‌دار سوق دهد.

۲- توزیع

از مباحث مهم نظام‌های اقتصادی چگونگی توزیع درآمد بین عوامل تولید است. در فقدان اقدامات سیاسی و مباحث ارزشی در تعدیل وضعیت متداول توزیع، توزیع درآمد و ثروت قبل از هر چیز به قابلیت عوامل تولید وابسته است که براساس قیمت‌گذاری عامل در یک بازار رقابتی که ارزش بازده عوامل را با ارزش تولید نهایی آن‌ها برابر می‌کند، تعیین می‌شود.

این الگو درجه مهمی از نابرابری، به ویژه در توزیع درآمد سرمایه را در خود مستتر دارد؛ و هر چند بین نظرات عدالت در توزیع تفاوت‌هایی وجود دارد، اغلب برآن‌اند که تعدیل‌هایی در این زمینه لازم است.

پاسخ به خواست توزیع منصفانه متضمن ملاحظات فلسفه اجتماعی و ارزش‌داوری است. فلاسفه پاسخ‌هایی ارائه داده‌اند، از جمله این که اشخاص نسبت به ثمرات مایملک خود صاحب حق هستند، و این که توزیع باید به نحوی باشد که خوشی یا رضایت خاطر را حداکثر کند.^{۳۱}

در نظام اقتصادی اسلام ملاک در توزیع درآمدها و ثروت‌ها کار و نیاز است که در سه مرحله توزیع قبل از تولید، توزیع بعد از تولید و توزیع مجدد صورت می‌گیرد و ثروت‌های طبیعی می‌توانند نقش قابل توجهی در توزیع قبل و بعد از تولید داشته باشند.

الف - توزیع قبل از تولید

مقصود از توزیع قبل از تولید شیوه بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی همانند زمین، آب و مباحث عمومی است. در جوامعی که ثروت‌ها و منابع طبیعی - که بر اساس آیات قرآن کریم برای بهره‌برداری همه مردم آفریده شده‌اند - در اختیار گروه‌هایی خاص قرار می‌گیرد و بسیاری از مردم از آن بی‌بهره‌اند، فقر فراگیر می‌شود و به تدریج فاصله طبقاتی فزونی می‌یابد. هر چند خصوصیات شخصی طبقات فقیر، چون تنبلی، بیکاری، پایین بودن سطح

فرهنگ و برخی از عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی نیز در تهیدستی کم‌درآمدها مؤثر است، ولی در اکثر موارد سبب اصلی، ستم سرمایه‌دارانی است که تنها به سود خود می‌اندیشند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آن‌چه بر سر فقرا، نیازمندان، گرسنگان و برهنگان می‌آید، همه در اثر گناه توانگران است.^{۳۳}

در نظام اسلامی حدودی مشخص شده است که از انباشته شدن منابع و ثروت‌های یاد شده در دست گروهی خاص و محرومیت اکثریت جلوگیری می‌کند و مهم‌ترین عامل شکاف میان طبقات مختلف جامعه را از میان می‌برد. افزون بر این دولت می‌تواند با واگذاری بخشی از منابع به طبقات محروم، تحقق عدالت را آسان‌تر کند.

ب - توزیع بعد از تولید

وقتی منابع اولیه در جریان تولید قرار می‌گیرد، سود حاصل از آن‌ها میان افرادی که در جریان تولید دخالت دارند، تقسیم می‌شود. در نظام سرمایه‌داری تکیه اساسی بر سرمایه است و همین موجب استثمار کارگران می‌شود. در حالی که طبق قوانین اسلام، اگر سرمایه در ریسک تولید شرکت نکند، سهمی از سود ندارد (تحریم بهره) چنان‌که نیروی کار می‌تواند علاوه بر مزد، از طریق مشارکت در فرایند تولید و تجارت (مزارعه، مساقات، مضاربه و شرکت) نیز به سهم خود دست یابد.

ثروت‌های طبیعی در این مرحله می‌توانند نقش مؤثری در تحقق عدالت داشته باشند؛ از جمله دولت می‌تواند در انعقاد قرارداد مشارکت یا اجاره، سهم سود یا اجاره خود را متناسب با وضعیت درآمدی گروه‌های مختلف قرار دهد. چنان‌که می‌تواند بخشی از درآمدی را که از سرمایه‌گذاری در این ثروت‌های خدادادی به دست می‌آورد، برای تأمین گروه‌هایی به کار گیرد که قدرت کار و تلاش ندارند یا به‌رغم تلاش، از درآمد کافی برخوردار نیستند.

۳- تثبیت

یکی دیگر از اهداف سیاست‌های اقتصادی، خصوصاً سیاست‌های مالی، رسیدن به وضعیت تعادلی و جلوگیری از نوسانات اقتصادی است. این هدف از طریق حفظ اشتغال در سطحی بالا، ثبات معقولی از سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ مناسبی برای رشد، با توجه به اثرات آن بر تجارت و تراز پرداخت‌ها، صورت می‌گیرد.

با توجه دقیق به موارد انفال و دیگر ثروت‌های طبیعی و گستردگی و وسعت آن‌ها، اهمیت و نقش آن در اقتصاد معلوم می‌شود. زمین‌های دایر و بایر، جنگل‌ها و دریاها و رودخانه‌ها، فضا، معادن، اموال و سرمایه‌هایی که از طرق مختلف نصیب دولت اسلامی می‌شود، از عوامل تعیین کننده در افزایش سطح اشتغال و تولید و به تبع آن پیشرفت و رشد اقتصاد و پویایی آن می‌باشد. بدیهی است سطح قیمت‌ها نیز در این صورت افزایش چشمگیری نخواهد داشت. در این قسمت اشاره‌ای کوتاه به این آثار اقتصاد خواهیم داشت. بدیهی است نسبت به این که دولت چه روشی در بهره‌گیری از این منابع در پیش گیرد، تأثیر آن متفاوت خواهد بود.

آثار اقتصادی سیاست مالی

۱- رشد و توسعه همه جانبه اقتصاد

آبادسازی اراضی موات، به کارگیری آن‌ها در بخش‌های کشاورزی، دامداری، مسکن و صنعت، و استفاده از اراضی آبادی که جزء انفال می‌باشند، موجب افزایش حجم تولید ناخالص ملی و رشد بخش‌های اقتصادی خواهد شد. هم‌چنین بهره‌گیری از آب‌های بدون استفاده رودخانه‌ها و دریاها، استخراج معادن و تبدیل آن‌ها به فرآورده‌های صنعتی به رشد و شکوفایی اقتصاد کمک خواهد کرد. بدیهی است که رسیدن به این مهم از راه‌های مشارکت با بخش خصوصی و واگذاری به آن عملی‌تر خواهد بود.

۲- ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی

به کارگیری این منابع مستلزم استفاده از نیروهای ساده و متخصص در بخش‌های مختلف است و این موجب افزایش فرصت‌های شغلی در جامعه می‌شود. این مقصود در هر سه روش (تصدی، مشارکت و واگذاری) تأمین خواهد شد.

یکی از سیاست‌هایی که در صدر اسلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت اشتغال مسلمانان به اجرا درآمد، انعقاد قراردادهای مزارعه، مساقات و مضاربه، میان صاحبان نیروی کار (مهاجران) و صاحبان مزارع و پس‌انداز (انصار) بود.

بدین ترتیب با توسعه فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی، تولید کل افزایش یافت و باعث شد نیروی کار بیش‌تری به کار گرفته شود و منابع و سرمایه‌ها فزونی یابد. اضافه بر این، در همان دوران از طرف نبی اکرم زمین‌هایی جهت ساختن مسکن میان مهاجران تقسیم شد.

این اقدام نیز اشتغال و فعالیت خانه سازی را در مدینه افزایش داد و یکی از نیازهای ضروری مسلمانان را تأمین ساخت، در نتیجه رفاه کل مسلمانان نیز بالا رفت.

۳- کنترل سطح قیمت‌ها

هرگاه به جهت افزایش جمعیت و ایجاد تقاضای اضافی در جامعه و یا به دلیل عوامل دیگر قیمت‌ها افزایش یابد، دولت می‌تواند با بستن قراردادهای جدید و عرضه قسمتی از ثروت‌های طبیعی جهت بهره‌برداری و به‌کارگیری، یا سهل نمودن شرایط قراردادهای از جمله کاهش سهم سود دولت، یا اجاره زمین‌ها و معادن، زمینه افزایش عرضه کالاها را در جامعه فراهم نموده و افزایش قیمت‌ها را مهار کند و حتی موجب کاهش قیمت کالاها شود.

هم‌چنین درآمد به‌دست آمده از این ثروت‌ها برای دولت موجب می‌شود دولت برای جبران کسر بودجه خود نیاز به گرفتن مالیات‌های سنگین از تولیدکنندگان و استقراض از بانک مرکزی پیدا نکند و این به نوبه خود در جلوگیری از تورم در سطح جامعه بسیار مؤثر است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ریچارد ا. ماسگریو و پیگی ب. ماسگریو، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی فر (چاپ اول: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۲) ج ۱، ص ۷۶.
۲. امان‌الله مهاجر ایروانی، مبانی سیاست اقتصادی (تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۸) ص ۶۹ - ۷۳.
۳. سعید فراهانی، جایگاه سیاست اقتصادی در اسلام (آماده برای نشر) فصل چهارم.
۴. محقق الحلی، شرائع الاسلام (چاپ دوم: بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق) ج ۱، ص ۱۸۳.
۵. محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، (چاپ هفتم: بیروت، دار احیاء التراث العربی) ج ۱۶، ص ۱۸۳؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۴۷۳ و سیدمحسن طباطبائی حکیم، مستمسک العروة الوثقی (بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیروت) ج ۹، ص ۵۹۷.
۶. امام خمینی، کتاب البیع (چاپ چهارم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۸) ج ۳، ص ۲۵.
۷. محمد مهدی آصفی، «اصل اباحه ثروت‌های طبیعی برای عموم در فقه اسلامی»، (ارائه شده در دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی)، ص ۱۵۰ و ر.ک: مرتضی مطهری، نظری به نظام اقتصادی، (چاپ پنجم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴)، ص ۱۵۳ و سعید فراهانی، همان.
۸. با استفاده از: محمد خامنه‌ای: «مالکیت عمومی» (ارائه شده در اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی)، ص ۲۰۹.
۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعه (دار احیاء التراث العربی)، ج ۱۷، کتاب احیاء موات، باب ۵ ح ۲ و ۱ و سنن ابی داوود (دار احیاء السنّة الثبوتیة) کتاب البیع، ص ۶۰.
۱۰. محمد مؤمن و مالکیت عمومی و اقسام آن (مقاله ارائه شده در دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی)، ص ۱۴۷.
۱۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الجعالة و الصلح و آیه الله حکیم، منهاج الصالحین همراه با حواشی شهید صدر.
۱۲. سیدمحمدباقر صدر، اقتصادنا، ترجمه ع. اسپهبدی، ص ۳۱۲ - ۳۱۳.
۱۳. فتحی احمد، النظام الاقتصادي فی الاسلام، ص ۹۰ - ۹۴.
۱۴. برای اطلاع بیشتر تر ر.ک: به میرمعزی، مبانی مکتبی (آماده برای نشر)؛ دادگر، اقتصاد اسلامی، ص ۲۷۲ - ۲۷۵؛ صادقی، درسهایی از اقتصاد اسلامی، ص ۲۸۷ - ۲۹۰ و گروهی از نویسندگان، جایگاه دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات آماده برای نشر).
۱۵. محمود متوسلی، خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار (چاپ اول: مؤسسه مطالعات و

- پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۷۳)، ص ۲۰۱.
۱۶. مسعود نیلی، اقتصاد ایران (تهران، سازمان برنامه و بودجه، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶) ص ۴۶۳.
۱۷. محمود متوسلی، همان، ۲۰۱.
۱۸. گروهی از نویسندگان، خصوصی‌سازی از تئوری تا عمل (مجموعه مقالات / تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۴).
۱۹. د.د. رافائل، آدم اسمیت، ترجمه عبدالله کوثری، (چاپ اول: طرح نو، ۱۳۷۵) ص ۶۸، ۸۶، ۹۲ و ۹۵.
۲۰. حدید (۵۷) ۲۵.
۲۱. محمدبن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۳، ص ۵۶۸.
۲۲. غررالحکم، ج ۳، ص ۲۰۵. این مضمون در احادیث ۴۲۱۵، ۵۸۰۳، ۵۸۰۴ و ۴۲۱۵ نیز دیده می‌شود.
۲۳. سخنرانی آیة‌الله جوادی آملی در همایش اقتصاد بدون نفت.
۲۴. نساء (۴) ۱۴۱.
۲۵. صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۹.
۲۶. ریموند، اف، میکسل، توسعه اقتصادی و محیط زیست، ترجمه حمیدرضا ارباب (انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶) ص ۲۷.
۲۷. همان، ص ۳۰.
۲۸. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ۲۰۴، ج ۷.
۲۹. حر عاملی، همان، ج ۱، ابواب احکام‌الخلوة، باب ۲۶.
۳۰. محمد اکرم خان، تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی، گردآمده در کتاب مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی، ترجمه دکتر حسین صادقی (چاپ اول: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵) ص ۳۵۴ - ۳۵۷.
۳۱. ماسگریو، همان، ج ۱، ص ۱۴ - ۱۵.
۳۲. الحیاة، ج ۴، ص ۳۲۹.